

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۷، اردیبهشت ۱۴۰۳

قطارهای بدون درب!

فرصتی دست داد و برای چند روزی به سرزمین هند سفر کردم. آنچه را که در همان لحظات اول مشاهده کردم، فقر بود، فقر بود و بازم فقر. بنابه آمار رسمی که هیچ زمانی نمی‌تواند مورد اتکاء قرار گیرد، یک چهارم مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این در حالی است که آمارهای مردمی یک سوم جمعیت را زیر خط فقر نشان می‌دهد و البته این آمار مربوط به مردم زیر خط فقر است و نه کسانی که در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و نه بی‌خانمان‌ها و خیابان‌خواب‌ها که این جمعیت غیرقابل شمارش در هیچ آماری اصلاً به حساب نمی‌آیند. بر اساس آمارهای رسمی بیش از ۳۰۰ میلیون انسان زیر خط فقر در هند زندگی می‌کنند. ما همین آمار را مبنا قرار می‌دهیم.

در گزارش‌های خبری و اقتصادی آمده است که اقتصاد کشور هند در حال رشد است و ارقام و اعداد منتشره در این رابطه هم این موضوع را تایید می‌کنند. بر اساس آمارهای دولتی رشد اقتصادی هند در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۳، به ۴/۸ درصد رسیده است رونق بازار سهام و افزایش صادرات را از جمله دلایل مهم این رونق اعلام کرده‌اند. براساس پیش بینی صندوق بین المللی پول تولید ناخالص داخلی هند در سال ۲۰۲۵ این کشور را به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل خواهد کرد. در حال حاضر هند در رتبه پنجم بزرگترین اقتصادهای جهان قرار دارد. نزدیک به یک سوم میلیاردرهای جهان در هند ساکن هستند و بنابه خبرهای اقتصادی پسا کوید ۱۹، بیش از ۱۱۰ میلیارد از چین مهاجرت کردند که نیمی از آنها در هند اقامت گزیده‌اند.

بنابه همین آمارهای دولتی این رشد اقتصادی و رونقی که دولت حامی سرمایه‌داران غارتگر حاکم بر کشو هند مدعی آن هستند در کدام بخش اقتصادی هند اتفاق افتاده است که هیچ تأثیری در زندگی میلیون‌ها انسان به فقر و فلاکت نشسته نداشته است؟ شهر مومبای که بعد از دهلی پرجمعیت‌ترین شهر کشور و مرکز مالی این کشور محسوب می‌شود و از قدیمی‌ترین بنادر تجاری هند و جهان محسوب می‌شود، نزدیک به ۳۰ میلیون جمعیت دارد که ۵۵ درصد این جمعیت در زاغه‌ها، در مراکز و در حاشیه شهر و در کنار راه‌آهن و خیابان‌های این شهر روزگار می‌گذرانند و بنابه اعتراف روزنامه‌های دهلی در شهر مومبای حاشیه نشینی رشد ۶۰ درصدی دارد در حالیکه شهر نشینی رشدی معکوس بخود گرفته است.

رشد و رونق اقتصادی که غارتگران صندوق بین المللی پول مدعی آن هستند، مرا یاد مصاحبه ولیعهد نروژ که دارای کارنامه سیاه و آلوده‌ایی می‌باشد، انداخت. به خصوص که در دو هفته گذشته برگی دیگر از رسوائی‌های این فرد رو شده است. وی در یک مصاحبه مدعی شد که: "ما یک پلتفرم سرمایه‌گذاری فوری آماده کرده‌ایم که به همه اعضای خانواده و مقامات دولتی این فرصت را داده است تا ثروت شخصی خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند".

و روزنامه نگار از او پرسید: "جالب است، اما چرا مردم عادی نمی‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، یا فقط برای صاحبان قدرت در نظر گرفته شده است؟ اگر راه حلی وجود دارد، چرا آن را با بقیه به اشتراک نمی‌گذارید؟"

پاسخ ولیعهد هاگون جالب است وی می گوید: "اگر من این اطلاعات را به اشتراک بگذارم، شهروندان نروژ به سادگی از جستجوی فرصت‌های رشد اقتصادی دست می‌کشند. اگر آنها نیز دریابند که مقامات چگونه آن را مدیریت می‌کنند، می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری به اقتصاد کل کشور وارد کند".

و روزنامه نگار می پرسد: "چگونه یادگیری پول درآوردن می‌تواند به نروژ آسیب برساند؟"

و ولیعهد هاگون پاسخ می‌دهد: "فقط فکرش را بکنید. اگر همه متوجه شوند که می‌توانند در عرض دو ماه میلیونر شوند، چرا مردم به کار خود ادامه دهند؟ بله، این پلتفرم Immediate Edge برای همه در

دسترس است، اما کسانی که می‌خواهند در رستوران‌ها، مغازه‌ها و کارخانه‌ها کار کنند اگر همه ثروتمند شوند چه می‌شود؟"

که در پاسخ روزنامه نگار گفت: "شما نکته خوبی را گفتید، اما به عنوان یک پادشاه آینده باید نگران مردم باشید، نه فقط به خودتان و کسانی که در قدرت هستند فکر کنید.

صندوق بین‌المللی پول و یا بهتر آن است که بگویم سازمان مالی و غارتگر جهانی دلایل رونق اقتصادی هند را افزایش صادرات و رونق بازار سهام ذکر کرده‌اند. اما بازار سهام چه ارتباطی با زندگی میلیون‌ها انسان فقیر و پابرنه و بی‌خانمان هند که محتاج نان شب می‌باشند، می‌تواند داشته باشد؟ همه می‌دانیم هند بیشترین تولید ادویه جات و چای و برنج و دیگر محصولات کشاورزی و منسوجات را دارد که بار تولید و زحمت تهیه این محصولات همه بر دوش زحمتکشان و استثمار شدگان است که در ازای چندرغازی که با آن فقط می‌توانند نان بخور و نمیری تهیه کنند، این رنج را می‌کشند اما سود و درآمدش همه به جیب سرمایه‌داران زالو صفت و سیری ناپذیر و دشمنان زحمتکشان سراریز می‌شود. در کشوری که مردم از فقر چند لایه و چند نسلی رنج می‌برند صحبت از رونق اقتصادی امری تمسخرآمیز است مردمی که نمی‌توانند یک دمپایی برای خود تهیه کنند و پا برهنه هستند و یا اگر هم دمپایی بپا دارند بدلیل نامرغوب بودن و غیر استاندارد بودن آن پاهایشان تغییر شکل داده و اصلاً انگشتان پایشان به شکلی غیر معمول درآمده است.

مردمی که چند نسل آن مادر بزرگ و فرزند و نوه با هم در زیر یک طاق مغازه شب را به روز می‌آورند و بدون هیچ امیدی برخاسته و راهی خیابان می‌شوند و هر جا شب فرا رسید سر بر زمین می‌گذارند. مردمی که در خیابان به دنیا می‌آیند و در خیابان هم بزرگ شده و در همانجا هم می‌میرند. منظور از رشد اقتصادی این سازمان غارتگر بین‌المللی همان است که ولیعهد فاسد نروژ در مصاحبه با خبرنگار بدرستی و روشن بیان می‌کند و هیچ ارتباطی با منافع گرسنگان و پابرنه گان ندارد بلکه برای صاحبان قدرت و ثروت می‌باشد.

مردم زحمتکش هند بدلیل سوءتغذیه و گرسنگی سلولی که از آن رنج می‌برند دارای قدی کوتاه، جثه‌ای ریز و رشد نایافته هستند که این خود نشان از تاثیر سالیان متمادی فقر و گرسنگی و درد و رنجی است که استعمارگران و استثمارگران بر این مردم نجیب، آرام و صبور روا داشته‌اند. انسان‌هایی که اصلاً خنده بر لبشان نمی‌بینی. انسان‌هایی که در محاصره شبانه روزی تبلیغات و خرافه پرستی باورهای منسوخ شده سرمایه‌داری برای ادامه این وضعیت غیرانسانی و قرون وسطایی قرار دارند، به هر جا که چشم می‌اندازی یک دیوار و یا ستونی برپا می‌کنند تا به مردم عبودیت و پرستش این بت‌های جاهلیت را به منظور رستگاری آنهم در دنیای بعد از مرگ یادآور شوند.

بنابه پیشنهاد یک راننده ریشکا به دیدن یک معبد نوساز رفتیم، معبدی که سه سال پیش توسط نازندرا مودی نخست وزیر کنونی هند افتتاح شده بود و همچنان کارگران مشغول کار بودند. این معبد که بیش از بیست سال وقت و با هزینه میلیاردی بپا شده بود با تراشیدن مرمرهای رنگی گل و بلبل و طاووس و فیل و امثالهم تزیین شده بود و همچنان کارگران در حال تراشیدن مرمرهای رنگی بودند. با سرمایه‌ای که در این مدت برای ساختن معبد هزینه کرده بودند میتوان برای هزاران بی سر پناه خانه ساخت و هزاران گرسنه را سیر کرد. این معبد در دشت پهناوری و خارج از شهر بنا شده بود و سازندگان آن موفق شده بودند مردم بسیاری را جذب یک شخصیت کذایی کنند و مردم گرسنه و پا برهنه را به ستایش این بنای جدید بکشانند. در محاصره یک چنین شرائطی است که این مردم نیازمند همچنان به دور این معابد می‌گردند و خواهان نجات خود از این فقر و بدبختی بدست این معابد هستند.

در ذکر ظلم و بیدادی که از غارتگران جهانی بر این مردم و کشورشان رفته است می‌شود سال‌ها سخن گفت، من دو نمونه را مثال می‌زنم شاید بتواند نمونه‌ای از بیداد غارتگران بین‌المللی باشد که بر این مردم رفته است

کشور هند از دیر باز زیر سم استعمارگران اروپایی لگدکوب شده است. همه ما می‌دانیم که ادویه جات

متعلق به آسیاست و اروپاییان اصلاً ادویجات را نمی‌شناختند. دارچین را پرتغالی‌ها در قرن ۱۵ به اروپا می‌برند زمانیکه برای اولین بار به هند رفته بودند. چند سال بعد هم، اسپانیایی‌ها با دارچین آشنا شدند و بعد از این بود که اروپاییان دارچین را شناختند. اما هیچ زمان این گیاه در اروپا بعمل نی‌آمد برای همین پرتغالی‌ها وارد سیریلانکای امروزی که بخشی از هند بود شدند و مردم آنجا را برای برداشت دارچین برده کردند و از این طریق یک درآمد قابل توجه به دست آوردند. آنها دارچین را از سیریلانکا به اروپا می‌بردند و در آنجا به قیمت گران می‌فروختند. از همان زمان سیریلانکا به مرکز چای و دارچین تبدیل شد و هنوز هم بهترین چای و دارچین جهان از همین سیریلانکاست. همین دو محصول سیلان باعث شد که اروپایی‌ها سر این سرزمین سال‌ها درگیر جنگ و دعوا شدند، نه برای یکی و دو سال بلکه برای قرن‌ها بین اروپاییان جنگ بود بر سر ادویه جات تا صاحب محصولات این منطقه شوند (البته ضمن تصاحب دیگر ثروت‌های ملی مردم هندوستان). بعد از پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و سرانجام انگلیسی‌ها می‌آیند و همه را تصاحب می‌کنند و استعمارگران قبلی را بیرون می‌اندازند. فرانسوی‌ها که این بساط را تماشا می‌کردند با خود می‌گویند پس سهم ما چه می‌شود. این همه سرزمین توی افریقا و کارائیب داریم ولی توی آسیا هیچی نداریم. دولت فرانسه یک گیاه شناس فرانسوی را مامور می‌کند که به صورت مخفیانه به سیلان برود و گیاه و بذر دارچین را بدزد و به سرزمین‌های تحت استعمار فرانسه در کارائیب ببرد. این دزد هم کارش را درست انجام می‌دهد. بذر را به کارائیب می‌برد و فرانسوی‌ها هم بوسیله برده‌های افریقایی شروع می‌کنند به کشت دارچین. این کار فرانسه باعث می‌شود که انحصار دارچین بشکند و قیمتش پایین آید و بیشترین ضرر را به هلندی‌ها وارد می‌کند. چون درآمد اصلی هلندی‌ها از دارچین بوده است و اقتصاد هلند به این وسیله زمین می‌خورد و از آن به بعد دیگر نمی‌تواند با قدرت‌های دیگر اروپایی رقابت کند. فرانسه باعث شد که یک ادویه لاکچری که فقط پولدارها در آن زمان می‌توانستند بخرند، همه گیر شود و در همه خانه‌ها وارد و یافت شود. در حال حاضر همچنان بهترین دارچین دنیا در سیریلانکا تولید می‌شود.

(ادامه دارد)

فیروزه ۱۰ می ۲۰۲۴